

برآورد کشت تقاضا در برابر تغییرات قیمت و درآمد برای
برخی محصولات عمده کشت و رزی ایران

منوچهر فکری ارشاد

استاد دیا رگروه اقتصاد کشت و رزی دانشکده کشت و رزی دانشگاه تهران - کرج

تاریخ وصول پنجم خرداد ماه ۱۳۵۹

چکیده

در این بررسی اندازه گیری کشت تقاضای محصولات عمده کشت و رزی در برابر تغییرات قیمت و درآمد در نقاط شهری، مورد مطالعه قرار گرفته است. محاسبات انجام یافته بر مبنای تحلیل سری های زمانی و با استفاده از آمار و ارقام گردآوری شده توسط مرکز آمار ایران، صورت گرفته است. آگاهی به ضرایب کشت تقاضای کالاهای مصرفی، می تواند کمک فراوانی به برنامه ریزان کشت و رزی بنماید و آنان را در شناخت سیر تغییرات تقاضا برای محصولات کشت و رزی در سالهای آینده یاری دهد.

مطالعات و محاسبات انجام شده، نشان داد که ضریب کشت تقاضا در برابر تغییرات قیمت برای اکثر کالاهای مورد بررسی نسبتاً " بزرگ" است و در مورد بعضی میوه ها و انواع ماهی، حتی بزرگتر از ۲ می باشد. ضریب کشت تقاضای گوشت و لبنیات نیز در برابر تغییرات قیمت نسبتاً " بالا و بزرگتر از واحد" است. به همین ترتیب ضریب کشت تقاضا در برابر تغییرات درآمد نیز برای انواع گوشت ماهی و تخم مرغ بزرگتر از ۲ و برای انواع میوه ها و انواع گوشت بزرگتر از واحد می باشد.

مقدمه

اهمیت فراوانی دارد. در واقع بدون آگاهی به چگونگی تاثیر عوامل فوق الذکر در تغییر تقاضا برای محصولات کشت و رزی، نمی توان سیاست صحیحی در زمینه تنظیم تولید بمنظور تامین نیازمندی های غذایی مردم با تولیدات داخلی، اتخاذ کرد. از این رو، برآورد نسبتاً " دقیق تقاضای مواد غذایی نخستین و وظیفه برنامهریزان سیاست کشت و رزی عملی می باشد و نا دیده گرفتن آن، عواقب وخیمی برای تولیدکنندگان از یک سو و

مهمترین عوامل موثر در تقاضای مقداری یک کالا در جامعه عبارتند از (۱) تعداد جمعیت و ترکیب آن، (۲) درآمد سرانه (۳) قیمت کالای مربوطه و همچنین کالاهای جانشین و در بسیاری موارد کالاهای مکمل آن و (۴) ترکیب نیازمندی ها. آگاهی به چگونگی تاثیر این عوامل بر تقاضای مقداری محصولات کشت و رزی برای مسئولین سیاست عملی کشت و رزی و برنامه ریزان کشاورزی

مصرف کنندگان از سوئی دیگر، بدنبال خواهد داشت. تاثیر عامل جمعیت در تغییر تقاضا برای مواد غذایی تقریباً "روشن و شناخته شده است. افزایش جمعیت موجب افزایش تقاضا برای مواد غذایی می‌گردد. ولی علاوه بر تعداد جمعیت، ترکیب سنی جمعیت نیز در کمیت و کیفیت تقاضای مواد غذایی تاثیر می‌گذارد. اندازه‌گیری تاثیر این عامل در تکامل تقاضای مواد غذایی در صورت دسترسی به آمار و ارقام قابل اعتماد چندان دشوار نیست. در مقابل، اندازه‌گیری تاثیر عامل ترکیب نیازمندیها اگر نگوئیم غیر ممکن، کاری بس دشوار است. در این مورد، عادت، سلیقه، اعتقادات و تا حدود زیادی نیز تبلیغات موثرند. از این رو اندازه‌گیری مستقیم تاثیر ترکیب نیازمندیها در تکامل تقاضا ممکن نیست و تنها در رابطه با سایر عوامل می‌توان تاثیر این عامل را به تقریب پیش بینی نمود.

درآمد و قیمت، مهمترین عوامل موثر در چگونگی تغییرات تقاضای مقداری هر کالا، از جمله محصولات کشاورزی هستند. برای پی بردن به اهمیت نقش این دو عامل یعنی درآمد و قیمت در تکامل تقاضای مقداری کالای معینی، ذکر چند نکته ضروری می‌نماید.

بطور کلی می‌توان گفت که افزایش یا کاهش درآمد و قیمت‌ها، اثراتی متضاد بر روی میزان تقاضا برای کالاها و خدمات مورد نیاز می‌گذارند. بدین نحو که معمولاً "افزایش درآمد سبب ازدیاد تقاضا برای کالائی خاص می‌شود در حالی که افزایش قیمت این کالا موجب کاهش تقاضا برای آن

می‌گردد و به همین سان نیز، کاهش درآمد باعث نقصان تقاضا و کاهش قیمت موجب افزایش تقاضا برای کالای معینی می‌شود. ولی با دقت بیشتر در رابطه بین قیمت و مقدار تقاضا، و همچنین درآمد و مقدار تقاضا، روشن می‌شود که برای تغییر قیمت کالای معینی و یا تغییر درآمد مصرف کنندگان، تقاضای مقداری برای کالاهای مختلف می‌تواند به صورت‌های دیگری جز آنچه در بالا ذکر شد، واکنش نشان دهد.

در واقع تقاضای مقداری کالای معینی، در صورت تغییر قیمت آن و ثابت ماندن سایر شرایط می‌تواند به سه صورت از خود واکنش نشان دهد (۱) همراه با ترقی قیمت، کاهش و همزمان با تنزل قیمت، افزایش یا بد (۲) همراه با ترقی قیمت، افزایش و همزمان با تنزل قیمت، کاهش پیدا کند (۳) از موارد نسبتاً "نادرواستثنائی" و (۳) ثابت بماند. بدیهی است که تقاضای مقداری یک کالای معین نه تنها در برابر تغییرات قیمت آن کالا واکنش نشان می‌دهد بلکه تغییرات قیمت سایر کالاها، کالاهای مکمل و جانشین نیز در آن موثر است. علاوه بر قیمت کالای مورد نظر و قیمت سایر کالاها (کالاهای مکمل و جانشین)، درآمد مصرف کنندگان نیز در تعیین مقدار تقاضا، برای یک کالای معین موثر است. به عبارت دیگر، هرگونه تغییری در درآمد خانوارها می‌تواند موجب بروز تغییراتی در تقاضای مقداری آنها برای کالاهای مورد نیازشان بشود. بدیهی است که تنها آگاهی به چگونگی تاثیر تغییرات قیمت‌ها و درآمدها در تقاضای مقداری کالاهای مختلف، برای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کافی نیست

چه شدت تا شیرتغییرات قیمت ها و درآمدها در تقاضای مقداری کالاهای مختلف، بسیار متفاوت است، از این رو اندازه گیری دقیق تاثیرات تغییرات قیمت ها و درآمدها در تقاضا برای کالاهای مختلف، اهمیت فراوانی دارد. در اقتصا دبرای این منظور از مفهوم کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و همچنین کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد، استفاده می شود. هدف بررسی حاضر نیز اندازه گیری ضرایب کشش تقاضای محصولات عمده کشا ورزی در برابر تغییرات قیمت و درآمد در نقاط شهری بوده است. البته پیش از این نیز بررسی‌ها در زمینه اندازه گیری کشش تقاضا صورت پذیرفته است، مثل تحلیل تقاضا برای گوشت گاو و گوسفند و مرغ (۳) ولی در بسیاری از این بررسی‌ها فقط کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد محاسبه شده است (۲). در این بررسی‌ها، به علت عدم دسترسی به آمار و ارقام مورد ائما در چندین ساله، از روش محاسبه مقطع زمانی استفاده شده است. در حالی که بررسی حاضر، با استفاده از آمار و ارقام گردآوری شده توسط مرکز آمار ایران، بر مبنای روش محاسبه سری‌های زمانی صورت پذیرفته است. باید متذکر شد که محاسبات انجام شده، بر اساس آمار بودجه خانوارهای شهری صورت گرفته است و لذا تنها در مورد گروههای مصرف کنندگان شهری می‌تواند صادق باشد. تعمیم این ضرایب در سطح کشور به هیچ روی صحیح نیست زیرا که عادات مصرفی خانوارهای روستایی با خانوارهای شهری تفاوت‌های فراوانی دارد.

مواد و روشها

بطوری که در مقدمه ذکر شد، هدف بررسی حاضر محاسبه کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و همچنین محاسبه کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد برای محصولات عمده کشا ورزی بوده است و در مواردی که دسترسی به داده‌های لازم برای تک تک محصولات میسر نبوده است، ضریب کشش تقاضا برای چندین کالای مشابه بصورت گروهی محاسبه شده است.

برای محاسبه ضرایب کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت دو عامل مقدار مصرف و قیمت کالاهای مورد نظر، مورد نیاز بود. داده‌های مربوط به مقدار مصرف خانوارهای شهری توسط مرکز آمار ایران در اختیار گذاشته شد و قیمت‌ها نیز از طریق تقسیم هزینه‌های خانوار بر مقدار خریداری شده کالاهای مربوطه بدست آمد. در مورد قیمت‌های کالاهای این طریق بدست آمده‌اند، ذکر چند نکته ضروری می‌نماید.

روشن است که در اکثر موارد گروههای درآمدی بالابرای کالاهای مشابه، به علت اختلاف کیفیت، بسته بندی و ماندن قیمت‌های بیشتری از گروههای درآمدی پائین و متوسط می‌پردازند، ولی در برخی موارد نیز عکس حالت بالا مشاهده می‌شود. باین معنی که گروههای درآمدی پائین برای کالای مشابه، قیمت‌های بیشتری از گروههای درآمدی بالاپرداخت می‌نمایند. ولی این بدان معنی نیست که گروههای درآمدی پائین کالاهای مرغوبتری مصرف می‌کنند، بلکه به علت خرید کالاهای مقادیر اندک و احتمالاً خرید

نسیه، مجبور به پرداخت قیمت‌های گران‌تر می‌شوند. قیمت‌هایی که از طریق تقسیم هزینه‌های گروه‌های مختلف درآمدی بر مقدار خریداری شده بدست می‌آیند، بخوبی منعکس‌کننده حالات فوق می‌باشند. قیمت‌هایی که از این طریق به دست می‌آیند، قیمت‌هایی هستند که عملاً "توسط گروه‌های مختلف درآمدی بطور متوسط برای کالاهای خریداری شده پرداخت می‌شوند."

برای محاسبه کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد، علاوه بر مقدار کالاهای خریداری شده توسط خانوارها، به درآمد خانوارها نیز نیاز می‌باشد ولی از آنجا که مرکز آمار ایران خانوارهای نمونه مورد بررسی خود را به گروه‌های هزینه‌ای و نه درآمدی تقسیم می‌کند، بناچار بجای درآمد، از هزینه کل خانوارها (خوراکی و غیر خوراکی) به تفکیک گروه‌های یا زده‌گانها استفاده گردید. در توجیه این جایگزینی، لازم به یادآوری است که هزینه، خود تابعی از درآمد است و بجز در طبقه ثروتمند، غالباً "هزینه و درآمد را می‌توان مساوی فرض کرد (۱). برای محاسبه کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و همچنین کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد، از الگوی لگاریتمی خطی زیر استفاده شده است:

$$\log Q_{ih} = a + b_1 \log p_{ih} + b_2 \log E_h$$

که در آن Q_{ih} متوسط مقدار کالای i به گرم که توسط گروه هزینه‌ای h خریداری شده است. P_{ih} متوسط قیمت کالای i به ریال که توسط گروه هزینه‌ای h پرداخت شده است و E_h متوسط هزینه کل خانوارهای گروه هزینه‌ای h (کالاهای خوراکی و غیر خوراکی) می‌باشد.

با استفاده از معادله لگاریتمی بالا مقدار a ، b_1 و b_2 اندازه‌گیری شد که در آن a برابر ضریب ثابت، b_1 برابر کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و b_2 کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد بوده است.

نتایج و بحث

بطوریکه قبلاً شرح داده شد، در این بررسی ضرایب کشش برخی کالاهای خوراکی محاسبه شده است که بصورت جدولهای جداگانه ارائه میگردد. مطالعه ضرایب بدست آمده بخوبی نشان می‌دهد که الگوی محاسبه بکار رفته برای این منظور کاملاً مناسب بوده است بطوریکه نتایج حاصل با تئوری‌های اقتصادی موجود در این زمینه، مطابقت می‌نماید.

در این جدول، a ضریب ثابت، b_1 کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و b_2 کشش تقاضا در برابر تغییرات درآمد می‌باشد.

از جدول معلوم می‌شود که کشش تقاضای برنج در برابر تغییرات قیمت (۱/۹۰۲-) و نیز در برابر درآمد (۱/۶۹۵) نسبتاً زیاد است. علت بالا بودن ضریب کشش درآمدی برنج آنستکه، هرچند این ماده ناشاسته‌ای نسبت به سایر مواد ناشاسته‌ای (مانند نان، ماکارونی و سیب زمینی) بیشتر مورد توجه و علاقه مصرف‌کنندگان است ولی مصرف آن هنوز به مرز اشباع نرسیده است. از این رو افزایش درآمد خانوارها، باعث افزایش قابل ملاحظه مصرف این کالای می‌گردد. با لا بودن ضریب کشش تقاضای برنج را در برابر تغییرات قیمت، می‌توان معلول دو عامل دانست؛ اول قیمت

ضریب کشش درآمدی رشته و ما کا رونی (۱/۳۸۹) نیز به همان علل ذکر شده برای برنج نسبتاً "بالا" است. ولی ضریب کشش این ماده نشاسته‌ای در برابر تغییرات قیمت (۰/۸۰۸-) به مراتب کوچکتر از برنج می‌باشد و احتمالاً "به این علت است که مصرف این ماده نشاسته‌ای در حال حاضر بیشتر در بین طبقات درآمدی بالا رواج دارد.

برنج و دوم امکان جانشینی مواد نشاسته‌ای دیگر. گرانی قیمت برنج در مقایسه با سایر مواد نشاسته‌ای از یکطرف (بویژه در سالهای مورد بررسی) و امکان مصرف موادی دیگر (مانند سیب زمینی) بجای آن، باعث شده است که مصرف کننده در برابر افزایش قیمت برنج از خود واکنش شدیدی نشان دهد.

جدول ۱- ضرایب a ، b_1 و b_2 برای برخی مواد نشاسته‌ای در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
انواع برنج	-۲/۲۴۲	-۱/۹۰۲	۱/۶۹۵
رشته و ما کا رونی	-۴/۵۷۱	-۰/۸۰۸	۱/۳۸۹

همان طور که از جدول ۲ پیداست، کشش تقاضا برای گوشت قرمز (انواع گوشت گاو و گوسفند) برابر ۱/۱۰۲- و کشش درآمدی آن برابر ۱/۲۸۵ می‌باشد. البته از آنجا که گوشت گوسفند و بز و بره، بیشتر از گوشت گاو و گوساله مورد توجه است و در رژیم غذایی مردم ایران سهم بیشتری دارد، کشش تقاضای آن نیز چه در برابر تغییرات قیمت (۱/۰۵۵-) و چه در برابر تغییرات درآمد (۱/۳۴۱) بیشتر از کشش تقاضا برای گوشت گاو و گوساله می‌باشد.

بطور کلی، کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و درآمد برای کلیه مواد پروتئینی حیوانی بالا است. مواد گوشتی رویهم رفته مورد توجه و علاقه فراوان مصرف کنندگان است بطوریکه مصرف کنندگان همواره قسمت عمده‌ای از افزایش درآمد خود را به خرید مواد گوشتی تخصیص می‌دهند. بویژه آنکه مصرف این مواد در کشور ما هنوز تا مرز اشباع فاصله بسیار فراوانی دارد. از آنجا که هزینه مصرف این قبیل مواد خوراکی، سهم عمده‌ای از درآمد خانوارهای شهری را شامل می‌شود، افزایش قیمت آنها با واکنش نسبتاً "شدیدی روبرو می‌گردد.

جدول ۲- ضرایب a ، b_1 و b_2 برای انواع گوشت قرمز و سفید در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
گوشت قرمز (گاو و گوسفند)	-۱/۶۱۵	-۱/۱۰۲	۱/۲۸۵
گوشت گوسفند و بز و بره	-۱/۹۶۲	-۱/۰۵۵	۱/۳۴۱
گوشت گاو و گوساله	-۱/۳۴۷	-۰/۶۹۳	۰/۷۱۸
گوشت انواع ماهی تازه و دودی و شور	-۴/۲۹۰	-۲/۲۲۵	۲/۱۱۸

شیر، معلول نیاز شدید خانوارها به این ماده غذایی برای تغذیه اطفال از یک طرف، و عدم امکان جایگزینی آن با ماده غذایی مشابه از طرف دیگر می باشد؛ مضافاً " مصرف شیر در بین گروه های درآمدی پائین هنوز تا مرز اشباع فاصله زیادی دارد. کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت برای تخم مرغ، به عنوان پروتئین حیوانی نسبتاً " گران قیمت، بسیار بالا می باشد (۲/۰۴۵-) بویژه گروه های درآمدی پائین در برابر تغییرات قیمت تخم مرغ از خود واکنش شدیدی نشان می دهند. کشش تقاضای پنیر در برابر تغییرات قیمت به مراتب ضعیف تر از تخم مرغ می باشد (جدول ۳).

نکته در خور توجه آنکه، تقاضا برای گوشت انواع ماهی تازه و دودی و شورچه در برابر تغییرات قیمت (۲/۲۲۵-) و چه در برابر تغییرات درآمد (۲/۱۱۸) واکنش نسبتاً " شدیدی از خود نشان می دهد، زیرا که گوشت ماهی، جز در کرانه های دریای مازندران و خلیج فارس، در سایر نقاط ایران بیشتر یک ماده غذایی تجملی و گران قیمت محسوب می شود که به سهولت می توان از مصرف آن چشم پوشی نموده و سایر مواد گوشتی مانند گوشت قرمز و گوشت مرغ را جایگزین آن نمود. کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت و درآمد، برای انواع لبنیات و تخم مرغ به استثناء ماست، نسبتاً زیاد است. بالا بودن کشش درآمدی تقاضا برای

جدول ۳ - ضرایب a ، b_1 و b_2 برای لبنیات و تخم مرغ در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
انواع شیر	-۳/۵۴۳	-۰/۷۰۹	۱/۲۹۸
انواع پنیر	-۲/۰۱۳	-۰/۷۴۶	۱/۰۰۷
ماست	۰/۱۶۱	-۰/۳۰۱	۰/۲۴۱
تخم مرغ و تخم سایر پرندگان	-۰/۰۹۳	-۲/۰۴۵	۱/۰۸۶

روغن حیوانی به عنوان یک ماده غذایی گران قیمت، عمدتاً توسط خانوارهای پردرآمدتر مصرف می شود و به همین لحاظ نیز ضریب کشش تقاضایش در برابر تغییرات قیمت (۰/۵۴۸-) کوچکتر از ضریب کشش تقاضا برای روغن نباتی (۱/۳۰۳-) می باشد (جدول ۴).

جدول ۴ - ضرایب a ، b_1 و b_2 برای روغن های حیوانی و نباتی در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
انواع روغن حیوانی	-۵/۸۲۱	-۰/۵۴۸	۱/۷۵۵
روغن و کره نباتی	-۱/۱۲۹	-۱/۳۰۳	۱/۰۴۴

علت با لا بودن ضریب کشش تقاضای روغن نباتی در برابر تغییرات قیمت، مصرف این کالا توسط گروه های کم درآمد یعنی گروه های است که به علت محدود بودن قوه خریدشان، در برابر تغییرات

مصرف کنند. در افزایش قیمت آنها از خود واکنش شدیدی نشان می‌دهد (جدول ۵). همچنین چون میزان مصرف این کالاها تا حد اشباع فاصله فراوانی داشته و هزینه مصرفشان نیز سهم کمتری از بودجه خانوار را به خود تخصیص می‌دهد، افزایش یا کاهش درآمد تا شرفراوانی در مقدار مصرف آنها به جای می‌گذارد.

ضریب کشش تقاضا برای خربوزه، هندوانه، طالبی، گرمک و خیار و انواع سبزی‌ها کوچکتر از ضریب کشش‌های مربوطه برای میوه‌ها می‌باشد. ضریب کشش تقاضای پیاز و سیروگوجه فرنگی از آن‌ها کوچکتر است. علت پایین بودن ضریب کشش تقاضای این کالاها آنست که بیشتر به عنوان قاتق و ماده غذایی مورد مصرف قرار می‌گیرند تا به عنوان میوه و بصورت تفننی.

قیمت این کالاواکنش نسبتاً شدیدی نشان می‌دهند. ضریب کشش درآمدی تقاضا برای روغن حیوانی بمراتب بزرگتر (۱/۷۵۵) از ضریب مربوطه برای روغن نباتی (۱/۰۴۴) می‌باشد. علت آنست که روغن حیوانی به عنوان کالای قابل جانشین روغن نباتی، مورد توجه زیاد گروه‌های درآمدی بالایی می‌شود و مصرف آن هنوز تا مرز اشباع فاصله فراوانی دارد.

مطابق انتظار، ضریب کشش تقاضا برای انواع میوه‌ها (سیب، گلابی، به، زردآلو، هلو، شلیل، آلبالو، گیلاس و گوجه درختی و همچنین انواع مرکبات) چه در برابر تغییرات قیمت و چه در برابر تغییرات درآمد، بزرگ است. این اقلام هیچ کدام جزء کالاهای ضروری خانوارها به شمار نمی‌آیند و به همین سبب نیز

جدول ۵- ضرایب a ، b_1 و b_2 برای میوه‌ها و سبزی‌ها در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
سیب، گلابی، به، زردآلو، هلو، شلیل، آلبالو، گیلاس و گوجه درختی	-۸/۵۰۷	-۱/۵۵۲	۲/۹۸۰
خربوزه، هندوانه، طالبی، گرمک و خیار	-۲/۳۱۴	-۰/۷۲۴	۱/۱۹۸
انواع مرکبات	-۹/۲۶۲	-۱/۴۴۸	۳/۰۸۰
انواع سبزی‌ها	-۱/۶۱۷	۰/۸۶۴	۱/۰۷۱
پیاز، سیر خشک و تازه و پیازچه	-۲/۲۱۵	-۰/۳۶۷	۰/۸۴۱
گوجه فرنگی	-۲/۲۴۸	-۰/۱۹۳	۰/۸۹۸

در برابر تغییرات قیمت (۰/۶۷۸-) و چه در برابر تغییرات درآمد (۰/۸۳۷)، نسبتاً "کوچکتر است. از میان انواع حبوبات، کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت برای نخود (۰/۶۵۵-) بیشتر از آن برای لوبیا (۰/۱۲۷-) می‌باشد، در حالیکه

ضریب کشش تقاضا برای انواع خشکبار به عنوان کالای تفننی در برابر تغییرات قیمت (۰/۱۵۸-) و درآمد (۱/۲۱۰)، نسبتاً "بزرگ است، در حالی که ضریب کشش تقاضا برای انواع حبوبات به عنوان یکی از مواد غذایی مهم توده مردم، چه

این تناسب در مورد کشش درآمدی تقاضا برای نخود ولوبیا کاملاً برعکس است (جدول ۶).

جدول ۶- ضرایب a ، b_1 و b_2 برای خشکبار و حبوبات در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
انواع خشکبار	-۲/۹۶۵	-۱/۱۵۸	۱/۲۱۰
انواع حبوبات	-۱/۵۵۶	-۰/۶۷۸	۰/۸۳۷
نخود	-۱/۰۹۹	-۰/۶۵۵	۰/۴۹۵
لوبیا	-۵/۴۵۲	-۰/۱۲۷	۱/۴۳۸

ما کارونی (صدق می‌کند. علت بالابودن ضرایب کشش تقاضای محصولات مورد بررسی را باید در فاصله زیاد مصرف این محصولات تا حد اشباع و همچنین گرانی قیمت آنها در مقایسه با قدرت خرید مصرف‌کنندگان دانست. از این رو هرگونه افزایش در قیمت این قبیل محصولات و یا کاهش درآمد مصرف‌کنندگان، باعث کاهش مصرف آنها خواهد شد و به عکس هرگونه کاهش در قیمت و یا افزایش درآمد مصرف‌کنندگان موجب افزایش مصرفشان خواهد گردید. در مقابل، واکنش مصرف‌کنندگان در برابر افزایش قیمت محصولات انرژی‌زا و مواد پروتئینی گیاهی و برخی سبزی‌ها و میوه‌های ارزان قیمت، ضعیف‌تر است. بهمین علت افزایش یا کاهش درآمد مصرف‌کنندگان تا شیر کمتری در افزایش یا کاهش مصرف این گونه محصولات بجای می‌گذارد، زیرا از یک طرف،

بطوری که از جدول (۷) مشهود است، ضریب کشش تقاضا در برابر تغییرات قیمت برای چای (۱/۲۰۴-) و ادویه‌ها (۱/۲۳۵-) نسبتاً "بزرگتر از ضریب مربوطه برای شیرینی‌ها (۰/۶۷۷-) می‌باشد. در مقابل، کشش درآمدی شیرینی‌ها (۰/۹۹۰) و ادویه‌ها (۰/۹۴۳) به علت ضرورت مصرف کم‌تر این کالاها، از کشش درآمدی چای (۰/۵۴۴) پائین‌تر است. بطور کلی از جداول ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که ضریب کشش تقاضا چه در برابر تغییرات قیمت و چه در برابر تغییرات درآمد برای اکثر محصولات مورد مطالعه، نسبتاً "بالاست و در بسیاری موارد بزرگتر از واحد می‌باشد. این نکته بویژه در مورد مواد پروتئینی حیوانی (مانند انواع گوشت و فرآورده‌های لبنی) و اکثر میوه‌ها (مانند مرکبات، سیب، هلو، کیلاس و غیره) و برخی مواد نشاسته‌ای گران قیمت (مانند پنبه و جو

جدول ۷- ضرایب a ، b_1 و b_2 برای چای، شیرینی‌ها و ادویه‌ها در خانوارهای شهری

اقلام	a	b_1	b_2
چای	۰/۶۸۳	-۱/۲۰۴	۰/۵۴۴
شیرینی‌ها	-۲/۶۶۰	-۰/۶۷۷	۰/۹۹۰
ادویه‌ها	-۱/۹۱۸	-۱/۲۳۵	۰/۹۴۳

مصرف آنها به عنوان کالاهای نسبتاً " ضروری و فاقد کالاهای جانشین با قیمت مشابه تقریباً " به حد اشباع نزدیک شده است و از طرف دیگر نمیتوان به سهولت از مصرف این قبیل محصولات چشم‌پوشی نمود.

سپاسگزارى
به این وسیله از مساعدت های مالی شورای توسعه و تشویق پژوهش های علمی و همچنین همکاریهای مرکز آمار ایران در زمینه گردآوری آمار و ارقام مورد نیاز از این بررسی، صمیمانه تشکر می‌نماید.

مراجع مورد استفاده

REFERENCES

- ۱- مرکز آمار ایران، ۱۳۵۱. حساسیت تقاضای کالاهای مصرفی خانوارهای شهری و روستایی، سازمان برنامه و بودجه.
- ۲- فکری ارشاد، م. و توکلی، الف. ۱۳۵۰. برآورد برخی کالاهای خوراکی برای مناطق شهری از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۶، نشریه شماره ۱ طرح مرکز بهبود و توسعه بازاریابی کشاورزی، وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی.
- ۳- کوپاهی، م. ۱۳۵۱. تحلیل تقاضا برای گوشت در شهرهای بزرگ ایران، صندوق توسعه کشاورزی ایران.

Estimation of Price and Income Elasticities of Demand of some
Important Agricultural Products in Iran

M. FEKRI - ERSHAD

Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, College
of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran.

Received for Publication, May 26, 1980.

ABSTRACT

Coefficient of elasticity of Demand against variations in both Price and Income was studied. Calculations were based on the Time Series Analysis for which the data from Iran Center for Statistics was used as inputs. Known coefficients of demand for consuming goods can greatly help the programmers of Agricultural Plans toward a better understanding of the future demands variations for the goods.

For most of the products under study, the coefficients of demand against variation in Price were rather high numerically; so much that for some fruits and fish meat, they were greater than 2. The coefficients were also rather high and greater than 1 for different kinds of meat and dairy products. The coefficient of demand against variation in Income was as well greater than 2 for different kinds of fish meat and greater than 1 for fruits and meats.